

متن خطبه حضرت زینب در کوفه به عربی

ثُمَّ قَالَتْ بَعْدَ حَمْدِ اللَّهِ تَعَالَى وَالصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ (ص):

أما بعد : يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ يَا أَهْلَ الْخَتْلِ وَالْغَدْرِ وَالْخَذَلِ أَلَا فَلَا رَقَاتِ الْعَبْرَةَ وَلَا هِدَاةِ الزُّفْرَةَ
إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ الَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ هَلْ
فِيكُمْ إِلَّا الصَّلْفُ وَالْعُجْبُ وَالشَّنْفُ وَالْكَذِبُ وَمَلَقُ الْإِمَاءِ وَغَمَزُ الْأَعْدَاءِ أَوْ كَمَرَعِي عَلَى دِمْنَةٍ
أَوْ كَفِضَةٍ عَلَى مَلْحُودَةٍ أَلَا بئسَ مَا قَدِّمْتَ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَفِي الْعَذَابِ
أَنْتُمْ خَالِدُونَ أَتَبْكُونَ أَحْيَى؟! أَجَلُ، وَاللَّهِ فَابِكُوا فَإِنَّكُمْ أَحْرَى بِالْبُكَاءِ فَابِكُوا كَثِيرًا وَاضْحَكُوا
قَلِيلًا فَقَدْ أَبْلَيْتُمْ بَعَارِهَا وَمَنْيْتُمْ بِشَنَارِهَا وَلَنْ تَرْحَضُوهَا أَبَدًا وَأَنْتِ تَرْحَضُونَ قُتِلَ سَلِيلُ
خَاتِمِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنِ الرِّسَالَةِ وَسَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَلَأْدُ حَرْبِكُمْ وَمَعَاذُ حِزْبِكُمْ وَمَقَرُّ
سَلْمِكُمْ وَأَسَى كَلِمِكُمْ وَمَفْزَعُ نَارِ لَيْتِكُمْ وَالْمَرْجِعُ إِلَيْهِ عِنْدَ مُقَاتَلَتِكُمْ - وَمَدْرَةُ حُجَجِكُمْ وَمَنَارُ
مَحَجَّتِكُمْ أَلَا سَاءَ مَا قَدِّمْتَ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ وَسَاءَ مَا تَزْرُونَ لِيَوْمِ بَعْثِكُمْ فَتَعَسَا تَعَسَا وَنَكْسَا
نَكْسَا لَقَدْ خَابَ السَّعْيُ وَتَبَّتِ الْأَيْدِي وَخَسِرَتِ الصَّفْقَةُ وَبُؤْتُمْ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ * وَضُرِبَتْ
عَلَيْكُمْ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ أ تَدْرُونَ وَيْلَكُمْ أَى كَبِيدٍ لِمَحَمَّدٍ ص فَرِثْتُمْ وَأَى عَهْدٍ نَكَثْتُمْ وَأَى
كَرِيمَةٍ لَهُ أُبْرِزْتُمْ وَأَى حُرْمَةٍ لَهُ هَتَكْتُمْ وَأَى دَمٍ لَهُ سَفَكْتُمْ أ فَعَجِبْتُمْ أَنْ تُمَطِّرَ السَّمَاءُ دَمًا
وَالْعَذَابُ الْآخِرَةَ أَحْزَى وَهُمْ لَا يُنْصَرُونَ - فَلَا يَسْتَخِفُّنَّكُمْ الْمَهْلُ فَإِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَخْفِزُهُ
الْبِدَارُ «3» وَلَا يُخْشَى عَلَيْهِ فَوْتُ النَّارِ كَلَّا إِنَّ رَبَّكَ لَنَا وَلَهُمْ لِبِالْمِرْصَادِ ثُمَّ أَنْشَأَتْ تَقُولُ
(ع):

مَاذَا تَقُولُونَ إِذْ قَالَ النَّبِيُّ لَكُمْ مَاذَا صَنَعْتُمْ وَأَنْتُمْ آخِرُ الْأَمَمِ
بِأَهْلِ بَيْتِي وَأَوْلَادِي وَتَكَرَّمْتِي مِنْهُمْ أَسَارَى وَمِنْهُمْ ضُرِّجُوا بِدَمٍ
مَا كَانَ ذَاكَ جَزَائِي إِذْ نَصَحْتُ لَكُمْ أَنْ تَخْلُفُونِي بِسُوءٍ فِي ذَوِي رَحِمِي
إِنِّي لَأَخْشَى عَلَيْكُمْ أَنْ يَحُلَّ بِكُمْ مِثْلُ الْعَذَابِ الَّذِي أَوْدَى عَلَى إِرَمٍ ثُمَّ وَلَّتْ عَنْهُمْ - قَالَ

حَذِيْمٌ فَرَأَيْتُ النَّاسَ حَيَارَى قَدْ رَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ فَالْتَفَتَ إِلَى شَيْخٍ فِي جَانِبِي
يَبْكِي وَقَدْ اخْضَلَّتْ لِحْيَتُهُ بِالْبُكَاءِ وَيَدُهُ مَرْفُوعَةٌ إِلَى السَّمَاءِ وَهُوَ يَقُولُ بِأَبِي وَأُمِّي كُهُولُهُمْ
خَيْرُ كُهُولٍ وَنِسَاؤُهُمْ خَيْرُ نِسَاءٍ وَشَبَابُهُمْ خَيْرُ شَبَابٍ وَنَسْلُهُمْ نَسْلٌ كَرِيمٌ وَفَضْلُهُمْ فَضْلٌ
عَظِيمٌ ثُمَّ أَنْشَدَ:

كُهُولَكُمْ خَيْرُ الكُهُولِ وَنَسْلَكُمْ إِذَا عُدَّ نَسْلٌ لَا يَبُورُ وَلَا يَخْزَى فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الحُسَيْنِ يَا عَمَّةُ
اسْكُتِي فَفِي البَاقِي مِنَ المَاضِي اعْتِبَارٌ وَأَنْتِ بِحَمْدِ اللّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ
مُفَهَّمَةٍ إِنَّ البُكَاءَ وَالحَنِينَ لَا يَرُدَّانِ مَنْ قَدْ أَبَادَهُ الدَّهْرُ فَسَكَتَتْ - ثُمَّ نَزَلَ (ع) وَضَرَبَ
فُسطَاطَهُ وَأَنْزَلَ نِسَاءَهُ وَدَخَلَ الفُسطَاطَ.

ترجمه فارسی خطبه حضرت زینب در کوفه

ستایش از آن خداست و درود بر پدرم محمد و خاندان پاک و نیکوکارش.
اما بعد: ای مردم کوفه، ای مردمان حيله گر و خیانت کار! گریه می کنید؟ اشک
چشمانتان خشک نشود و ناله هایتان آرام نگیرد. همانا که کار شما مانند آن زنی است
که رشته خود را پس از محکم یافتن، یکی یکی از هم می گسست، شما نیز سوگندهای
خود را در میان خویش، وسیله فریب و تقلب ساخته اید. آیا در میان شما جز وقاحت و
رسوایی، سینه های آکنده از کینه، دو رویی و تملق، همچون زبان پردازی کنیزکان و
ذلت و حقارت در برابر دشمنان چیز دیگری نیز یافت می شود؟ یا همچون سبزه هایی
هستید که ریشه در فضولات حیوانی داشته یا همچون جنازه دفن شده ای که روی
قبرش را با نقره تزیین نموده باشند؟ چه بد توشه ای برای آخرت فرستاده اید؛ توشه ای
که همان خشم و سخط خدا است و در عذاب جاویدان خواهید بود. گریه می کنید؟ زار
می زنید؟ آری به خدا سوگند که باید گریه کنید، پس بسیار بگریید و کمتر بخندید.
چرا که دامان خود را به ننگ و عار جنایتی آلوده اید که ننگ و پلیدی آن را از دامان

خود تا ابد نتوانید شست. و چگونه می‌توانید ننگ حاصل از کشتن فرزند رسول خدا(ص)، خاتم پیامبران، معدن رسالت، و سرور جوانان اهل بهشت را از دامان خود بزدایید؟ کسی که پناه مومنان شما، فریادرس در بلایای شما، مشعل فروزان استدلال شما بر حق و حقیقت و یاور شما در هنگام قحطی و خشکسالی بود. چه بار سنگین و بدی بر دوش خود نهادید، پس رحمت خدایی از شما دور و دورتر باد. که تلاشتان بیهوده، دستانتان بریده، معامله تان قرین زیان گردیده است، خود را به خشم خدا گرفتار نموده و بدین ترتیب خواری و درماندگی بر شما لازم آمده است. وای بر شمایی مردم کوفه! آیا می‌دانید چه جگری از رسول خدا دریده‌اید؟ چه زنان و دختران با عفت و وقاری را از خاندان او به کوچه و بازار کشانده‌اید؟! چه خونی از آن حضرت بر زمین ریخته‌اید؟! و چه حرمتی از او شکسته‌اید؟! شما این جنایت فجیع را بی‌پرده و آشکار به انجام رسانید؛ جنایتی که سر آغاز جنایات دیگری در تاریخ گشته، سیاه، تاریک و جبران ناپذیر بوده، تمام سطح زمین و وسعت آسمان را پر کرده است. آیا از اینکه آسمان خون باریده تعجب می‌کنید؟ در حالی که عذاب آخرت در مقایسه با این امر، بسیار شدیدتر و خوار کننده‌تر است و در آن روز کسی به یاری شما نخواهد آمد. پس مهلت‌هایی که خدای متعال به شما می‌دهد موجب خوشی شما نگردد، چرا که خدا در عذاب کردن بندگان خود شتاب نمی‌کند، چون ترسی از پایمال شدن خون و ازدست رفتن زمان انتقام ندارد و همانا که خدای شما همیشه در کمین است.

آنگاه حضرت زینب(س) این اشعار را خواند: اگر پیامبر از شما بپرسد، این چه کاری بود که کردید با آنکه شما امت [پیامبر] آخر الزمان بودید [و بر دیگر امت‌ها شرافت داشتید]، چه پاسخ خواهید داد؟ شما چه کردید با اهل بیت و فرزندان و عزیزان من؟! جمعی را به اسارت بردید و گروهی را به خون آغشته کردید. این پاداش من نبود - با

آنکه من خیرخواه شما بودم - اینکه در حق خویشاوندانم این گونه به من جفا کنید. من می ترسم همان عذابی که قوم «إِرم» را به نابودی کشاند، بر شما نیز فرود آید.

زینب کبری(س) پس از این خطابه جانسوز، روی از آنان برگرداند. در این حال، مردم را دیدم که حیرت زده اند و از اندوه و پشیمانی، دست به دندان می گزند. حذیم می افزاید: به کنارم نگرستم، پیرمردی را دیدم که اشک می ریزد و محاسنش با قطرات اشکش تر شده بود. در همان حال دستان خود را به آسمان بلند کرد و گفت: پدر و مادرم فدای شما باد! پیرانتان بهترین پیران، زنانتان بهترین زنان و جوانانتان بهترین جوانان اند. دودمان شما کریم و بزرگوار و فضل و منزلت شما بزرگ و عظیم است. آنگاه این بیت را خواند: پیران شما بهترین پیران و دودمان شما نیز بهترین دودمانند و در میان همه تبارها و نسلها، هرگز تبار شما نبود و بی اعتبار نخواهند شد.

امام زین العابدین(ع) رو به عمه اش کرد و فرمود: «عمه جان آرام بگیر، سرگذشت گذشتگان برای آنان که مانده اند مایه عبرت است. خدای را سپاس که تو عالمه تعلیم ندیده و خردمند خرد نیاموزیده ای. گریه و زاری، آنان را که رفته اند به ما باز نمی گرداند» با این سخن امام چهارم(ع)، زینب(س) آرام گرفت و حرفی نزد.